

# معیار کلیسا برای گزینش کتاب های عهد جدید چه بود؟



معیار کلیسا برای گزینش کتاب های عهد جدید چه بود؟

معیار کلیسا برای انتخاب کتاب های عهد جدید چنین بود:

یک. آیا کتاب توسط نبی و رسول خدا نوشته شده؟

در مورد نویسندگان عهد جدید، همگی یا رسول بودند یا دستیار رسولان: متی، مرقس، لوقا، یوحنا، پطرس، پولس، یعقوب و یهودا یا شاهد عینی بودند و یا هم عصر مسیح و دیگر رسولان. همه این مردان از رهبران معروف و شناخته شده کلیسای قرن اول میلادی بودند و اکثر آنان مسیح را در جسم دیده بودند و از لحاظ اخلاقی افراد قابل اعتمادی محسوب می شدند. این افراد به استثنای یوحنا که دوران سخت زندان را سپری کرد، به خاطر اعتقادات شان شهید شدند. عده ای از مخالفان مسیحیت بر این باورند که شاگردان مسیح، انجیل (عهد جدید) را تحریف کرده اند. آن ها ادعا می کنند از آن جا که عیسی مسیح انجیل مکتوب

نداشت، بنابراین انجیل حقیقی به صورت شفاهی بود و آنچه بعدها توسط شاگردانش نوشته شد، در واقع تحریف تعالیم مسیح بود. آیا این ادعا صحیح است؟

یک. اگر این ادعای مخالفان را بپذیریم به آن معنا است که خدا نتوانست آینده را ببیند و در همان آغاز فعالیت، ناگهان غافلگیر شد، زیرا شاگردان مسیح تعالیم استاد خود را تحریف کردند. بنابراین خدا اجازه داد تا قرن ها مردم در جهالت، گناه و سرگردانی به سر ببرند. این نگرش مخالفان، محبت خدا به بشر و غیرت و پیشدانی او را نسبت به کلامش زیر سؤال می برد.

زمانی که مسیح فعالیت خود را به طور جدی شروع کرد، نوشته های انبیاء (عهد عتیق)، معیار اعتقادات یهودیان خداپرست بود. اگر قبل از ظهور مسیح، عهد عتیق تحریف می گردید، یهودیان به انحراف و بت پرستی روی می آوردند. شواهد تاریخی نشان می دهند که قوم اسرائیل در زمان مسیح، نسبت به نوشته های انبیاء خداوند، بسیار وفادار و غیور بوده اند.

دو. اگر این ادعای مخالفان را بپذیریم، بدین معنا است که مسیح در زمینه شاگردسازی موفق نبود. او حتی نتوانست شخصیت انسان ها را به درستی بشناسد، چه رسد به آن که درون اشخاص را مشاهده کند.

بنابراین مسیح، مرتکب اشتباه شد و به کسانی اعتماد کرد که بعد از صعودش به آسمان، تعالیم او را تحریف کردند. در نتیجه این اقدام فریبکارانه شاگردان، عده بی شماری از انسان ها در طی قرون در جهالت، گناه و سرگردانی به سر بردند، بدون آن که از تعالیم واقعی مسیح آگاهی داشته باشند.

در انجیل بارها می خوانیم که مسیح نه فقط درون انسان ها را مشاهده می کرد (یوحنا فصل ۱ آیات ۴۷ - ۵۰)، بلکه از گذشته آنان مطلع بود (یوحنا فصل ۴ آیه ۱۸). مسیح قادر بود درون انسان ها را ببیند و انگیزه آنان را مشاهده نماید.

بنابراین، هیچکس نمی‌توانست او را فریب دهد تا مرتکب خطا و اشتباه شود. شاید همان مخالفان بگویند که یکی از شاگردان مسیح خیانت کرد و دیگری او را انکار کرد. پاسخ این است که مسیح، گناهان دو شاگرد را قبل از ارتکاب، پیشگویی کرد (لوقا فصل ۲۲ آیه ۳۴، یوحنا ۱۳ آیات ۲۱ - ۳۰). پطرس توبه کرد. یهودا نیز به شدت پشیمان شد، اما به جای توبه، خودکشی نمود.

اگر شاگردان مسیح به دروغگویی رو آورده بودند، چرا جان خود را به خاطر چیزی که می‌دانستند دروغ بوده، از دست دادند؟ یازده شاگرد مسیح، به خاطر ادعاهای شان شهید شدند. یوحنا هم دوران سخت زندان را گذراند. اگر شاگردان مسیح، قصد فریب مردم را داشتند، چرا جان خود را به خاطر ادعای دروغ از دست دادند؟ افراد به خاطر آنچه می‌دانند درست است جان خود را فدا می‌کنند (حتی اگر آن عقیده نادرست باشد)، اما هیچکس جان خود را در راه چیزی که خودش هم می‌داند دروغ است، به خطر نمی‌اندازد.

مطابق شریعت یهود شهادت چند نفر در دادگاه، مانع از دروغگویی و ایجاد شک و تردید می‌گردید (تثنیه فصل ۱۷ آیه ۶). نویسندگان عهد جدید تعالیم متضاد در مورد زندگی مسیح و نجات شناسی نداشتند. اگر یکی از آنان گزارش کذب ارائه می‌داد، سایر شاهدان آن گزارش یا تعلیم غلط را تکذیب می‌کردند. در دوران عهد عتیق نیز قوم اسرائیل و رهبران آنان شاهد رویدادها بودند و گزارش نادرست به سادگی قابل شناسایی بود.

برای مثال، نویسندگان عهد جدید در مورد زنده شدن مسیح از مردگان، هیچ گونه تردیدی نداشتند (متی فصل ۲۸ آیه ۱۷، مرقس فصل ۱۶ آیه ۴، لوقا فصل ۲۴ آیه ۱۲ و یوحنا فصل ۲۰ آیات ۲۴ - ۲۹). فصل پانزدهم رساله اول قرن‌تینان که درباره مرگ و زنده شدن مسیح تعلیم می‌دهد، در حدود ۵۵ میلادی توسط پولس نوشته شد، یعنی ۲۲ سال بعد از واقعه مرگ و زنده شدن مسیح. در آن زمان، بسیاری از

شاهدان از جمله مردم شهر اورشلیم (مکان مصلوب و زنده شدن مسیح) در قید حیات بوده اند.

دو. آیا قدرت خدا ورای پیام خدا دیده می شود تا زندگی انسان های منفی به افراد مثبت و مفید تبدیل شود؟

اگر پیام کتاب مقدس نتواند هدفی را که در آن بیان شده محقق بخشد و اگر قدرت نداشته باشد که زندگی کسی را تغییر دهد، بنابراین مشخص است که خدا در ورای آن پیام قرار ندارد.

پدران کلیسا بر این باور بودند که کلام خدا "زنده و مقتدر" است (عبرانیان فصل ۴ آیه ۱۲). در نتیجه باید قدرتی دگرگون کننده در درون انسان (دوم تیموتاوس فصل ۳ آیه ۱۷) و در معرفی انجیل داشته باشد (اول پطرس فصل ۱ آیه ۲۳). حضور قدرت دگرگون کننده خدا نشانه قدرتمندی بود که ثابت می کرد کتاب مورد بحث مهر تایید را بر خود دارد.

سه. آیا آن کتاب توسط کلیسا تایید شده است؟

مسیح عهد عتیق را تایید کرد (لوقا فصل ۲۴ آیه ۴۴) و پطرس نوشته های پولس را تصدیق نمود (دوم پطرس فصل ۳ آیه ۱۶) و پولس در رساله هایش تعالیم مسیح را مورد تایید قرار داد.

تعالیم اناجیل و رسالات رسولان در تناقض نیستند. نکته دیگر این که جهان بینی الهیاتی کتاب مقدس و بدعت ها با هم متضاد و متفاوت است. مثلا کتاب مقدس می گوید که مسیح خداوند است و هم چنین مرگ و قیام او را تایید می کند، در حالی که بدعت ها الوهیت مسیح و مرگ و قیام او را انکار می کنند. بنابراین، در زمینه این نکته بسیار حساس، یکی از این نگرش ها متناقض، نادرست و اشتباه می

باشد. آنچه مسلم است، هر دو نگرش متضاد به طور هم زمان نمی توانند درست باشند، هر چقدر هم هر یک از سوی هر تعداد از مردم مورد باور قرار داشته باشند. رسولان در عهد جدید بارها به بدعت ها اشاره کرده اند.

نسخه هایی تحت عنوان "اناجیل سری (رمزی)" همراه با انجیل مسمی به یهودا کشف شده اند مانند انجیل فیلیپس، انجیل توما، انجیل مریم... که محتوای هیچکدام با تعلیمات عهد جدید همخوانی ندارد و اشاره ای به ماموریت، رنج ها و قیام مسیح از مردگان نشده است. جالب است بدانید این مجموعه در کنار مجموعه عهد جدید (تعالیم مسیح و رسولان) وجود نداشت، زیرا نویسندگان اعتقادی به تعالیم عهد جدید نداشتند. پدران کلیسا نیز هرگز از "اناجیل رمزی" نقل قول نمی کردند، بلکه نقل قول های آنان محدود به اناجیل و رسالات رسولان بود.

به عنوان مثال، محققانی که انجیل یهودا را بررسی کردند، اطلاعات تاریخی آن را موثق نمی دانند. حتی بارت ارمن (ملحد آمریکایی) چنین توضیح می دهد: «این نوشته، انجیلی نیست که به دست یهودا نگاشته شده باشد یا کتابی نیست که در آن ذکر شده باشد که به دست یهودا نوشته شده است این نوشته، حتی انجیلی نیست که در آن زمان به دست شخصی که یهودا را به خوبی می شناخت، نوشته شده باشد... بنابراین، این کتاب، کتابی نیست که به ما در مورد اتفاقات دوران زندگی عیسی اطلاعاتی بیشتر دهد».

اناجیل رمزی (سری)، در حقیقت مهر تاییدی است بر هشدارهای رسولان. برای نمونه اگر پولس چنین هشدار داد: "می دانم وقتی بروم، معلمین دروغین مانند گرگان درنده به جان شما خواهند افتاد و به گله رحم نخواهند کرد. آن ها حقیقت را وارونه جلوه خواهند داد تا مردم را به دنبال خود بکشند" (اعمال رسولان فصل ۲۰ آیات ۲۸ - ۲۹).